

لزوم هدایت نقدینگی به سمت تولید

امیرضا سوری، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

ایران

بدن انسان برای انجام فعالیت‌های خود به حجم مشخصی خون نیاز دارد لذا کم خونی و پرخونی باعث ایجاد اختلال در فعالیت‌های بدن می‌شود (به عبارت دیگر خون به گردش درآمده در رگ‌ها باید متناسب با حجم رگ‌ها و میزان فعالیت‌های بدن باشد). رابطه بین فعالیت‌های اقتصادی و نقدینگی را نیز با استفاده از این تمثیل می‌توان به روشنی تبیین کرد. بخش واقعی اقتصاد اعم از تولید، کشاورزی، معدن و خدمات و... برای ادامه فعالیت‌های خود به سطحی از نقدینگی احتیاج دارند. تا زمانی که کل نقدینگی موجود در اقتصاد متناسب با حجم این فعالیت‌ها است و توسط شبکه بانکی کشور با سرعت مناسب و توزیع مناسب در اجزای مختلف اقتصاد به گردش درمی‌آید نیازی به تزریق نقدینگی بیشتر به کالبد اقتصاد نیست چرا که این تزریق نه تنها به افزایش باثبات و مستمر فعالیت‌ها و رشد اقتصادی پایدار منجر نمی‌شود بلکه با ایجاد تورم و نااطمینانی در اقتصاد، به روند حرکتی بخش‌های مختلف آسیب می‌رساند.

بررسی میزان رشد نقدینگی و تورم نشان داده است که رابطه بین تورم و نقدینگی رابطه‌ای یک به یک است و کشورهایی که رشد اقتصادی بالاتر را با روش تزریق نقدینگی دنبال می‌کنند، عمدتاً به دام تورم گرفتار می‌شوند و به هدف خود نیز که افزایش رشد اقتصادی است، تنها به صورت محدود در کوتاه‌مدت دست می‌یابند و در میان‌مدت و بلندمدت آثار تورمی بر ضد رشد اقتصادی عمل می‌نمایند و رشد مستمر و پایداری حاصل نمی‌شود.

دامنه اثرات نامطلوب نقدینگی نامتعارف بسیار فراتر از تورم پایدار و فزاینده و کاهش مستمر قدرت خرید مردم و ایجاد نااطمینانی است و موجب خروج بازارها از تعادل خواهد شد، در این بین اگر ظرفیت یکی از این بازارها بالاتر باشد نقدینگی به سمت آن بازار می‌رود حکایتی که در چند سال اخیر بارها باعث التهاب بازارهای مسکن، طلا و ارز شده است که حکایت از وجود نقدینگی مازاد

انباشته در اقتصاد ایران (میزان حجم نقدینگی تا پایان تیرماه سال ۱۳۹۱ بالغ بر به ۳۸۷ هزار و ۵۰۰ میلیون تومان) است.

این امر در شرایطی است که براساس تجارب جهانی، بدون رعایت انضباط مالی و پولی و کاهش هزینه‌ها و بودجه‌ها، امکان تثبیت اقتصادی و کنترل نقدینگی وجود ندارد و باید با یک نگاه کلان مشخص شود که نقدینگی از چه راه‌هایی در حال رشد است و در چه بخش‌هایی استفاده شود و چه تاثیراتی بر جامعه برجای می‌گذارد در این شرایط لازم است با یک مدیریت خاص و ویژه نقدینگی را به جایگاه مناسب همچون بخش‌های مولد و تولیدی هدایت شود. هدایت نقدینگی به سمت بخش‌های تولید موجب کاهش تورم و افزایش بهره‌وری و کاهش قیمت تمام شده می‌گردد این درست معکوس چیزی است که در اقتصاد ایران اتفاق می‌افتد به طوری که در بخش کلان با حجم پول زیاد و در بخش خرد (تولیدکنندگان) با محدودیت منابع مالی مواجه هستند. این موارد نشان می‌دهد تورم موجود در کشور ناشی از کمبود نقدینگی نیست بلکه نقدینگی زیاد، عدم مدیریت صحیح و مشکل مدیریتی در توزیع منابع موجب جذاب شدن سایر بازارها به ویژه سوداگری شده است به طوری که هر از چندگاهی با جذاب شدن یکی از این بازارها بخشی از منابع کشور از بخش تولید جدا شده و بدون امکان بهره‌برداری خاص و مناسب در اختیار یکی از این بازارها (طلا، ارز و ...) قرار می‌گیرد که تبعات کوتاه مدت آن تقویت روحیه سوداگری بین عامه مردم و در بلندمدت روی آوردن بنگاه‌های اقتصادی به سوداگری است. این در حالی است که اولویت‌بندی در سرمایه‌گذاری‌های ملی و منطقه‌ای بر اساس نیازهای موجود و هدایت سرمایه‌گذاری‌ها به بخش تولید و صنعت می‌تواند تا حدودی از تورم موجود کم کند لذا سیاستگذاران باید با برنامه‌ریزی اولویت‌ها را شناسایی و نقدینگی را به آن سمت هدایت کنند.